

1	1
fonte	منبع ، سرچشمه
saltuario	گاه به گاه
accanito	بی امان
fedele	وفادار ، با وفا
politica interna	سیاست داخلی
cronaca	تاریخچه
attendibile	قابل اعتماد
superficiale	سطحی
immediato	فوری
social media	رسانه های اجتماعی
2	2

disincanto	افسون کردن
suggerire	حدس زدن
prudenza	احتیاط
utente	کاربر
affermare	ادعا کردن
mediante	از طریق
perlopiù	اغلب
in combinazione con	در ترکیب با
si tratta di	در مورد
accedere	ورود به
in termini di	به لحاظ
atteggiamento	نگرش ، رفتار

tendenza	روند ، گرایش
nel complesso	در مجموع
credito	اعتبار
nei confronti di	به سمت
notiziario	بولتن خبری
atlante	نقشه اطلس
costituire *	تشکیل دادن * ، متشکل شدن *
restare *	باقی ماندن ، استراحت کردن *
calo	رها ، افتاده
significativo	قابل توجه
fiducia	اعتماد
diminuire *	کم کردن ، کاهش دادن *

navigare * su internet	گشت و گذار کردن * در اینترنت
sentirsi* osservati	احساس کردن * که کسی او را مشاهده میکند (پاییدن)
fidarsi *	اعتماد کردن *
distrarsi *	پریشان شدن ، حواس پرت شدن *
tramite	از طریق
5	5
grazie a	با تشکر از
Marte	مریخ
caporedattore	سردبیر
rivista	مجله
antichità	دوران باستان
attrazione	جاذبه

un certo	یک باید (موضوع قطعی)
da quanto ho capito	تا اونجایی که فهمیدم
già allora	تا الان
forma di vita	شکل زندگی
diffondersi *	انتشار دادن *
marziano	مریخی
microorganismo	میکروارگانیسم
un giorno	یک روز
mettere* piede	پا گذاشتن *
per chiunque	برای هرکس
figuraccia	کار احمقانه ، سوتی
7	7

perennemente	همیشه ، دائم
reformare	اصلاح
all'interno di	داخل
evasione fiscale	فرار مالیاتی
8	8
schiantarsi *	تصادف کردن ، برخورد کردن *
gabbietta	قفس
coccole	نوازش
urto	دست انداز
distrutto	نابود
ferite lievi	جراحات جزئی
scappare *	فرار کردن *

9	9
diritto di parola	حق حرف زدن
legione	لژیون
imbecille	ابله
parola di	کلمه از ، قول از طرف
laurea honoris causa	مدرک افتخاری
danneggiare *	خسارت زدن *
collettività	جمعی
mettere a tacere *	ساکت کردن *
dramma	نمایش دراماتیک
promuovere *	ترویج دادن *
scemo del villaggio	احمق روستایی

detentore della verità	دارنده ، صاحب حقیقت
proliferare *	تکثیر شدن *
bufale	بوفالوها
in proposito	در مورد آن ، بعلاوه
in tal senso	در این معنا
filtrare *	فیلتر کردن *
specialista	متخصص
essere* in grado di	توانایی داشتن *
o meno	و یا کمتر
Chiarissimo professor	خیلی واضح استاد
contraddire *	تناقض داشتن *
concedere *	اعطا کردن *

libertà di espressione	آزادی بیان
in assenza di	در غیاب
lascia intendere che	پیشنهاد میکند که
quota	نقل قول ، سهمیه
fisiologico	فیزیولوژیکی
è chiaro che	واضح است که
di tutto	از همه چیز
avvento	ظهور
13	13
previsioni meteo	پیش بینی آب و هوا
intrattenimento	سرگرمی
da anni	برای سالها

in tutte le salse	در همه سس ها
inguardabile	غیر قابل تماشا
fazioso	ساختگی
radicale	افراطی
non direi	من نمی گویم
epoca	دوره (زمان)
non avere * tutti i torti	کاملاً اشتباه نکردن *
del tutto	در مجموع
senza dubbio	بدون شک
non mettere* in dubbio che	زیر سوال نبردن *
decente	نجیب
il punto è	نکته این است که

avere* senso

معنی داشتن ، منطقی بودن *